

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا وفواندن توراہ فودداری فرمایید.

# אוריאל דויד

מטות-מסעי

מחפץ קדושית אין נשריח از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

اول آو 5781

## גفتארי רושנה

بیشتر مضر هستند ، ولی مردم این موارد را جدی نمی گیرند. برای مثال ، پزشکان و محققان زیادی گفته اند فشار نفسی ، نگرانی ، عصبانیت و غیره برای سلامتی مضر هستند و باعث فروپاشی سیستم بدن و بیماریهای خطرناک می شوند. این سؤال مطرح می شود که چرا این دسته از مردم که بسیار سعی بر آن دارند سالم غذا بخورند ، اصلاً سعی نمی کنند از عصبانیت و لجبایت دوری کنند تا سالم بمانند؟

وقتی انسان به مطالعه کتب پند و اندرز می پردازد ، این کتب باعث می شوند که شخص تمرین نماید تا زندگی بهتری داشته باشد ، زندگی بدون عصبانیت ، فشار ، نگرانی و ناراحتی.

قوم یسرائل بدون اینکه هیچ اسباب و اساسی داشته باشند چهل سال در بیابان خطرناک زندگی کردند و خد-اوند از آنها نگهداری نمود تا هیچ موردی به آنها آسیب نرساند و نیز تمام مایحتاج آنها را فراهم کرد تا بتوانند این چهل سال را پشت سر گذارند ، هیچ یک از افراد قوم از گرسنگی نمرد و هیچ گاه مشکل کمبود لباس نداشتند و هیچ گزندی از مار و عقرب به آنها نرسید.

لازم به ذکر است طبق برنامه اول ، لازم نبود قوم یسرائل چهل سال در بیابان بمانند ، بلکه فقط چند روز. هم چنان که خد-اوند قول داده بود ، برنامه این بود که پس از دریافت توراہ فوراً وارد سرزمین یسرائل شوند. ولی به سبب گناهان آنها و گناه گوساله طلایی در بیابان معطل شدند و به دلیل گناه جاسوسان برای آنها حکم صادر شد که چهل سال در بیابان سرگردان باشند.

خد-اوند می توانست به آنها بگوید:

در این پاراشا ، توراہ تمام مکانهایی که قوم یسرائل در طول این چهل سال مستقر شدند را نام می برد ، از هنگام خروج از مصر تا اکنون که به مرز سرزمین یسرائل رسیده بودند. در این مدت ، قوم یسرائل در چهل و دو مکان مستقر شدند که چهارده ایستگاه در سال اول خروج از مصر بود و هشت ایستگاه در سال آخر. در این صورت ، در طول سی و هشت سال آوارگی در بیابان ، قوم یسرائل فقط در بیست ایستگاه مستقر گشتند و جای خود را عوض کردند. این نشان می دهد تا چه حد خد-اوند قوم یسرائل را دوست دارد که آنها را سرگردان نکرد ، بلکه بیشتر اوقات در یک مکان ساکن بودند و لازم نبود ، مرتب جای خویش را عوض نمایند.

مورد دیگری که از این مکانها می آموزیم این است که این قوم به صورت شگفت انگیزی به مدت چهل سال در بیابان بودند ، بیابانی خطرناک ، پر از مار و عقرب و خشکسالی. در مدت این چهل سال خد-اوند تمام مایحتاج آنها را تأمین نمود ، آب و غذا ، سایه بان و مراقبت.

نکته دیگر آن است که هر چند وقت یک بار خبری منتشر می شود که پزشکان گفته اند این سری مواد غذایی ، مثلاً شکر ، آرد و روغن برای سلامتی مضر هستند و از خوردن آنها باید خودداری نمود و هستند افرادی که این توصیه ها را بیش از حد جدی گرفته و با تمام قدرت می جنگند که این محصولات وارد خانه آنها نشود ، تا غذای سالم خورده و سالم بمانند.

حتی اگر باور کنیم این سری از مواد غذایی واقعاً برای سلامتی ضرر دارند ، موارد دیگری هم هستند که برای سلامتی بسیار

اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی) روزمره دارید از اتمام لطف

خود به ما دریغ ننمایید. 6. 50465 یرושלים پست الکترونیکی [davidsbeam@gmail.com](mailto:davidsbeam@gmail.com)

که امسال چکار کنیم؟ چند سال دیگر چه خواهد شد؟ چطور فرزندان خود را به خانه بخت بفرستیم؟ و نگرانیهای بسیار دیگر... اگر این نتیجه را درک کنیم که به مدت چهل سال خد-اوند تمام مایحتاج قوم یسرائل را در بیابان فراهم نمود تا از هیچ موردی رنج نبرند، پس ما نیز هر چه نیاز داریم را دریافت خواهیم کرد، پس نباید از هر موردی که مطابق میل ما نیست ناراحت شویم، زیرا همه چیز طبق دستور خد-اوند انجام می‌شود و بدون خواست وی هیچ آدمی نمی‌تواند به ما خوبی یا بدی نماید، بلکه همه چیز طبق نظارت خد-اوند است. پس باید با آموزش کتب پند و اندرز در این مورد، رفتارهای نادرست خود را اصلاح و نگرانی، عصبانیت و کم ایمانی را از خود دور کنیم، باید با ایمان و اطمینان به خد-اوند زندگی کنیم و با آرامش و شادی، میصوهای خد-اوند را انجام دهیم.

”چون خود شما باعث شدید در بیابان سرگردان شوید، پس حق شما است که از گرما و سرما رنج ببرید و خودتان به فکر آب و غذا باشید.“

ولی خد-اوند با آنها این چنین رفتار نکرد، بلکه با رحمت و نیکی تمام مایحتاج آنها را فراهم و از آنها مراقب نمود و در طول چهل سالی که در بیابان بودند، هیچ موردی برای آنها کم نگذاشت. هر چه که بیشتر در این نیکیهای خد-اوند تأمل نماییم، ایمان و اطمینان ما به خد-اوند قویتر می‌شود و بیشتر می‌فهمیم خد-اوند، ما را دوست دارد و خوبی ما را می‌خواهد. موظف هستیم میصوهای خد-اوند را نگه داشته و اگر این وظیفه را خوب انجام دهیم، خد-اوند تمام مایحتاج ما را فراهم خواهد کرد و بدین صورت دیگر لازم نیست نگران آینده خود و فرزندان خود باشیم

## قوم یهود (ماتو) و پیش روی هایش (مصلح)

خطاکار کردن قوم یسرائل شریک بودند، خد-اوند دستور می‌دهد فقط از میدانیها باید انتقام گرفت.

دفعات بسیاری اتفاق می‌افتد که شخص میصوایی را انجام نمی‌دهد و یا گناه می‌کند و برای این عمل خود دلیل و توجیهی دارد. درست است که به سبب این گناه مجازات خواهد شد، ولی حداقل می‌تواند بگوید دلیلی داشته که این عمل را انجام داده است. ولی گاهی، برای مثال وقتی دو نفر با هم دعوا می‌کنند، در کار آنها مداخله نموده و حکم قاضی را به خود می‌گیرند و اعلام می‌کنند حق با کدام و مقصر کدام است. ولی هم چنان که در اینجا دیده می‌شود، شخصی که بیهوده در کار دیگری دخالت می‌کند، مجازات او بسیار بیشتر است.

خد-اوند در اینجا می‌فرماید باید از میدانیها نفرت داشت و آنها را کشت، زیرا آنها، شما را دشمن داشته و به شما متصل شدند و شما را با گناه زنا و بت پرستی خطاکار کردند. دانشمندان تورا از این مورد آموخته‌اند: ”اگر فردی بلند شد تا تو را بکشد، تو زودتر او را بکش.“

ربی شیمعون در این باره فرمود: ”از اینجا معلوم می‌شود که شخصی که ممنوع خود را خطاکار می‌کند بدتر از شخصی است که ممنوع خود را می‌کشد، زیرا شخصی که ممنوع خود را می‌کشد، فقط جان ممنوع خود را می‌گیرد و آن شخص که کشته

در این پاراشا می‌خوانیم خد-اوند به مشه ربنو دستور می‌دهد انتقام قوم یسرائل را از میدانیها بگیرد و پس از این انتقام، مشه ربنو وفات خواهد نمود. مشه ربنو نیز به قوم یسرائل دستور داد فوراً از میان قوم، سربازانی داوطلب شوند تا انتقام خد-اوند را از میدانیها بگیرند.

در اینجا راشی می‌پرسد موآویها نیز در گناهکار کردن قوم یسرائل شریک بودند، پس چرا خد-اوند دستور می‌دهد این انتقام را فقط از میدانیها بگیرند و نه از موآویها؟

راشی در پاسخ می‌نویسد: ”موآویها از قوم یسرائل ترسیدند که قوم یسرائل آنها را از بین ببرند، به همین سبب خواستند با قوم یسرائل بجنگند و با آنها مبارزه کنند، ولی میدانیها در دعوائی که به آنها ارتباطی نداشت مداخله کردند.“

بدین مفهوم که موآویها دیدند قوم یسرائل چه بلایی سر عوگ پادشاه باشان و سیخون پادشاه خشبون آوردند و ترسیدند که الان قوم یسرائل به سمت آنها خواهند آمد و با آنها نیز مبارزه خواهند کرد. به همین سبب موآویها به فکر افتادند چگونه با آنها مبارزه کنند. ولی این مبارزه‌ها هیچ ارتباطی به میدانیها نداشت و آنها بیهوده و بی‌جهت وارد این معرکه شدند. به همین جهت خد-اوند بین میدانیها و موآویها فرق می‌گذارد و با اینکه موآویها نیز در

شده ، قسمتی در عالم باقی دارد ، ولی شخصی که هم‌نوع خود را خطاکار می‌کند ، هم در این دنیا و هم در عالم باقی جان او را می‌گیرد. مصریها و ادومیها با شمشیر به سراغ قوم ییسرائل آمدند و می‌خواستند قوم ییسرائل را نابود کنند ، و توره در مورد مصر و ادوم می‌فرماید که نباید از آنها نفرت داشت و دور سوم آنها می‌تواند به قوم ییسرائل گرایش پیدا کند ، ولی عمون و موآو که قوم ییسرائل را خطاکار کردند ، توره دستور می‌دهد که این دو قوم حق ندارند به دین ییسرائل گرایش پیدا نمایند."

دانشمندان توره از این مورد آموختند که گناهکار کردن انسان از کشتن او بدتر است. به همین جهت هم توره می‌نویسد که باید از مدیانیها انتقام گرفت چون که شما را با زناکاری و بت‌پرستی گناهکار نمودند.

ولی توره نمی‌فرماید که انتقام آن بیست و چهار هزار نفر را که به خاطر مدیانیها کشته شدند را بگیر ، زیرا هم چنان که گفته شد ، گناهکار کردن انسان از کشتن وی بدتر است.

طرز نگاه ما نیز باید بدین صورت باشد و گناه را بدتر از گرفتن جان بدانیم ، ولی متأسفانه این چنین نیست.

به فرض مثال اگر ببینیم شخصی جلوی چشم ما دست خود را به گردن شخصی می‌اندازد و او را خفه می‌کند ، تا آخر عمر او را قاتل خطاب می‌کنیم و حاضر نیستیم به صورت او نگاه کنیم. ولی وقتی شخصی بر دوست خود تأثیر بد می‌گذارد و او را به راه گناه و رفتار ناصالح می‌کشانند ، باز هم با او نشست و برخاست خواهیم داشت ، با او صحبت می‌کنیم و به او لب‌خند می‌زنیم.

یا اگر شخصی بیاید و در جمع ما را خجالت دهد که دانشمندان توره در این مورد فرموده‌اند که این خجالت دادن به مانند کشتن طرف است ، تا دوران دور به یاد داریم که فلان شخص باعث خجالت ما شد ، همواره در فکر هستیم که چگونه تلافی کنیم و دیگران را برحذر داریم که با این فرد قطع رابطه نمایند.

ولی اگر شخصی ما را خطاکار کند ، آیا رفتار ما هنوز به این صورت خواهد بود؟ آیا تا این حد از او متنفر خواهیم بود؟ آیا به فکر انتقام و برحذر کردن دیگران خواهیم بود که از این شخص دوری کنید تا شما را خطاکار نکند؟

برای مثال ، اگر شخصی بیاید و در نزد ما غیبت دیگری را بگوید ، این شخص با گفتن غیبت ، باعث شده تا ما خطا کنیم. یا اگر مشغول آموزش توره هستیم و شخصی می‌آید و در مورد مسائل

بدون ارتباط با ما صحبت می‌کند و مانع آموزش توره ما می‌شود و در اصل باعث می‌شود که گناه کنیم ، آیا باز هم از او متنفر خواهیم شد؟ یا اینکه با او گرم صحبت می‌شویم و با لب‌خند و شادی صحبت را ادامه می‌دهیم؟

علت این است که واقعاً نمی‌فهمیم خطا و گناه چه ضربه‌ای به شخص می‌زنند ، چقدر گناه و خطا انسان را از عالم باقی دور می‌کنند و بین انسان و خداوند فاصله می‌اندازند و چون این را نمی‌دانیم و درک نمی‌کنیم ، طرز تفکر و نگاه ما به گناه و شخصی که باعث خطاکار شدن ما می‌شود برعکس است.

به طور کلی ، وقتی موردی برای کسی مهم است و شخصی می‌آید و به این مورد مهم ضربه می‌زند ، انسان ناراحت می‌شود و از دست شخصی که به او ضربه زده عصبانی می‌شود. از این رو ، وقتی انسان به مسائل این دنیا اهمیت می‌دهد ، اگر شخصی به موارد مادی او ضربه بزند ، تا ابد از دست او عصبانی است ، ولی چون این فرد به موارد معنوی اهمیتی نمی‌دهد ، اگر شخصی به معنویات و عالم باقی او ضربه بزند ، از دست این شخص عصبانی نمی‌شود و حتی ممکن است او را دوست داشته باشد.

باید تأمل کرد و فهمید تا چه حد موارد معنوی ، مهم و با ارزش هستند و هم چنان که در فصول پدران (فصل ۴ ، میشنای ۱۶) آمده است: "یک لحظه آرامش در عالم باقی از تمام زندگی این دنیا زیباتر است."

دانشمندان توره توضیح داده‌اند منظور از "تمام زندگی این دنیا" این است که اگر بشود تمام لذات و خوبیهای این دنیا ، از موقع آفرینش و تا آخر دنیا ، را در یک لحظه جا داد ، باز هم یک لحظه آرامش در عالم باقی ، از این یک لحظه پر از لذت و خوبی زیباتر است.

متأسفانه در این مورد ضعیف هستیم ، ولی اگر واقعاً درک کنیم ارزش یک دقیقه آموزش توره و یا ارزش هر میصوا چقدر است ، آن موقع می‌فهمیم "شخصی که فردی را گناهکار می‌کند از فردی که انسان را می‌کشد بدتر است."

درمورد هخزون‌ایش روحش شاد ، نقل است در تمام طول زندگی بیمار بود ، به گونه‌ای که اگر به وی رسیدگی نمی‌کردند ، سلامتی او به خطر می‌افتاد ، و با این حال هخزون‌ایش همواره تلاش نمود که غرق در آموزش توره باشد و میصواها را طبق هلاخا انجام دهد.

ربی الياهو در جواب می‌فرمود: "هارامبام ، هارمبام پزشک حاذقی بود و او در هلاخا می‌نویسد اگر شخصی در هلاخاهای کثروت غذا به اندازه کافی دقت نمی‌کند و ممکن است از مواد غذایی غیرکاشر استفاده کند ، نباید در نزد او غذا خورد."

حال مردم می‌فهمند که اگر دکتر گفته که نباید خورد ، خوب باید حرف دکتر را گوش کرد ، ولی وقتی هلاخا می‌گوید که نمی‌شود این مواد غذایی را خورد یا در نزد فلان شخص غذا خورد ، شخص عصبانی شده و شکایت می‌کند که چرا هلاخا این قدر سخت می‌گیرد و انسان به دنبال راه حلی است که با این هلاخا کنار آید ، از این هلاخا شانه خالی کند و آن را از سر خود رفع نماید.

انسان همواره باید احساس کند در مقابل خد-اوند قرار دارد ، به این صورت می‌تواند اهمیت موارد معنوی را بیشتر احساس نماید و وقتی به موارد معنوی اهمیت دهد ، دیگر به دنبال این نیست که میصواها را از سر خود رفع کند ، بلکه به دنبال این است که چگونه بهتر و بیشتر به آموزش تورا و انجام میصواهای تورا مشغول گردد.

اگر به این درک برسیم که همواره خد-اوند بر ما نظارت دارد و در ازای هر عمل باید به خد-اوند پاسخگو باشیم ، خود به خود سنگینی گناه و ارزش میصوا را احساس می‌کنیم.

برگرفته از مگید دواراو لיעقوب.

هخزونی‌اش می‌نویسد بزرگترین شادی و خوشحالی او این است که بداند رضایت خد-اوند را انجام می‌دهد و بزرگترین ناراحتی برای من این است که مرتکب به گناهی شوم.

این دید واقعی بزرگان دوره است که می‌فهمند "شخصی که انسان را گناهکار می‌کند از فردی که وی را می‌کشد بدتر است" ، زیرا می‌دانند تا چه حد گناه به انسان ضربه زده و وی را از هر دو دنیا بیرون می‌کند و به مانند این است که او را در هر دو دنیا ، هم در این دنیا و هم در دنیای آخرت ، می‌کشد. شخصی که واقعاً این مورد را درک می‌کند ، از هر لحظه خود استفاده نموده و نمی‌گذارد عمر او بیهوده و بی‌جهت به هدر رود ، این است که دانشمندان تورا فرموده‌اند: "هیچ موردی بدتر از دست رفتن وقت نیست."

ربی یهودا هخاسید روحش شاد می‌نویسد که شخص باید عاقل باشد و با زرنگی زمینه را فراهم کند که خد-اترس واقعی باشد. در مورد ربی الياهو لوییان روحش شاد ، تعریف شده دفعات بسیاری او را به میهمانی و مراسم جشن دعوت می‌کردند و وقتی ربی الياهو می‌رسید ، برای او میز غذا می‌چیدند. ولی چون ربی الياهو شک و تردید داشت که آیا تمام آن مواد غذایی کاشر است یا خیر ، از خوردن امتناع می‌کرد. وقتی از ربی الياهو می‌پرسیدند: "جناب راو چرا نمی‌خورید؟"

ربی الياهو نمی‌فرمود من در کثروت مواد غذایی شک و تردیدی دارم ، زیرا با گفتن این جمله به میزبانان بی‌احترامی بزرگی می‌شد ، بلکه ربی الياهو می‌فرمود: "دکتر برای من ممنوع کرده است." شاگردان او که موضوع را می‌دانستند ، از ربی الياهو می‌پرسیدند: "کدام دکتر برای شما ممنوع کرده است؟"

## قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

\* **یروشالیم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرمیان

\* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴ \* **کفر سابا:** آقای موشی کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۵۲

\* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲ \* **بیطار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۴۲۸۹۳۶-۵۴

\* **تارنمای:** پاراشای هفته ۱ پاراشای هفته ۲